

## نقش دانشگاه در توسعه فرهنگی و اجتماعی از جنبه آموزش شهروندی، تاثیر آموزش آن بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق خود ونیم نگاهی به دیدگاه منابع اسلامی

سینا فیضی<sup>۱\*</sup>، پیام احمدیان<sup>۲</sup>، محمد سعید مطاعی<sup>۳</sup>، ساجد زارعی<sup>۴</sup>

۱- کارشناس علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

۲- کارشناس علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

۳- کارشناس علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

۴- کارشناس علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

(sinafeizi313@yahoo.com)

### چکیده

در باب فلسفه اغلب ما تصور می‌کنیم که جز عملی بودن همه چیز هست. فلسفه تعلیم و تربیت مسرت بار کردن زندگی است. مراد از مسرت خوشی‌های معنوی و پایدار است. کار معلمی نیز معماری فکر و ذهن انسانی است که ساختارهای ذهن و ساختارهای عملی انسان را می‌سازد. معلم و استاد با آگاهی از روش‌های صحیح تفکر و پژوهش و کاربرد آن‌ها در زندگی عملی سبب خوشبختی علمی و معنوی مردم می‌گردند. شادابی و مسرت چنین تلاش‌هایی بی‌حد و حصر بوده و همچنین سرچشمه جاودانی در عوالم گوناگون روح و جسم و احساس و خاطره‌ی معلم و متعلم جریان می‌یابد. بدین جهت فلسفه تعلیم و تربیت مسرت بار کردن زندگی است. مسرتی که صاحبان آن سختی هر تلاشی را به سبب آن فرح دل انگیز تحمل می‌کنند. آموزش و پرورش در جوامع امروزی به عنوان کلیدی‌ترین نهاد آموزشی در جهت توسعه همه‌جانبه به شمار می‌رود. چرا که در پرتو آموزش است که انسان‌ها متحول می‌شوند. بر پایه نظام آموزشی و تربیتی یک جامعه است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادی به خود می‌گیرد و عامه مردم به طرف فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می‌کنند.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، مهارت‌های شهروندی، جهانی شدن، عصر ارتباطات.

### ۱- مقدمه

هر چند مقوله‌هایی از جمله شهروند، فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی در ادبیات حقوقی، سیاسی و جامعه‌شناسی ایران واژه‌هایی جدید به شمار می‌آیند ولی از نظر مفهومی کاملاً شناخته‌شده هستند. شهروند که تحت اقتدار و حمایت یک حکومت قرار دارد، برخوردار از مجموعه‌ای از حقوق اساسی انسان است. امروزه این اندیشه و اعتقاد وجود دارد که افراد به منزله شهروند، همچنان که حقوق و آزادی‌هایی دارند که حکومت مکلف است از آنها حمایت کند، تکالیف و مسئولیت‌هایی نیز در قبال حکومت دارند. بنابراین برای توسعه فرهنگ شهروندی و تبیین، تضمین و حفظ حقوق شهروندی، ابتدا باید حقوق شهروندی را در متن جامعه و قوانین شناسایی کرد. حقوق شهروندی مجموعه‌ای از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)،

دولت یا به طور کلی قوای حاکم است. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود. بسیاری از حقوقدان‌ها معتقدند مهم‌ترین اقدام برای تحقق حقوق شهروندان ارائه یک طرح بومی ریشه حقوق الهی و طبیعی متناسب با فرهنگ دینی و بومی ایرانی است تا حداکثر حقوق شهروندان تامین و تلاش برای صیانت از حقوق بشر انجام شود.

از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی انسان‌ها که عامل دوام و بقای نسل بوده و از سوی همه قوانین بشری نیز پذیرفته شده است، ازدواج و تشکیل خانواده است. اهمیت خانواده از بعد فردی و اجتماعی و تاثیرگذاری آن بر جامعه به حدی است که قانونگذار در اصل ۱۰ قانون اساسی، آن را واحد بنیادی جامعه اسلامی دانسته است زیرا چنانچه خانواده را اجتماعی مرکب از پدر، مادر و فرزندان بدانیم که با رشته‌های عاطفی به یکدیگر پیوسته‌اند، هراندازه که استحکام این رشته‌ها قوی‌تر باشد ارتباط افراد خانواده با یکدیگر و رابطه این‌گروه با جامعه عمیق‌تر خواهد بود و برعکس هر قدر میزان این رابطه عاطفی، متزلزل‌تر و ضعیف‌تر شود، پیوند اعضای خانواده از یکدیگر و از جامعه گسسته‌تر خواهد شد. چنانچه افراد خانواده با حقوقشان آشنا باشند و خود را ملزم به رعایت آن بدانند، قوانین اجتماعی را نیز محترم خواهند شمرد. در مقابل، خانواده‌ای که در آن تنش و ناسازگاری وجود داشته باشد و اعضای آن حقوق یکدیگر را نادیده انگارند، در جامعه نیز نسبت به قوانین بی‌توجه خواهند بود. به عبارت دیگر جامعه در حکم آینه‌ای است که کنش، رفتار و منش خانواده به خوبی در آن منعکس می‌شود. به همین دلیل در همان اصل از قانون اساسی قید شده است که همه قوانین، مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوطه باید در جهت آسان کردن شرایط تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. باین وجود باید اذعان داشت که به رغم همه قوانین و مقرراتی که به منظور حفظ و پایداری خانواده مقرر شده آنچه ضامن بقا و سعادت خانواده است، فرهنگ و اخلاق حاکم بر آن است. خانواده تابع قراردادهای نانوشته‌ای است که عقاید، رسوم و سنن حاکم بر جامعه طی قرون و سالیان دراز آنها را رقم می‌زنند و شمشیر برنده قانون، زمانی اجازه داخل شدن به محیط خانواده را می‌یابد که اخلاق در این نهاد بنیادی کمرنگ شده باشد. بنابراین همچنان که آشنا کردن جامعه با قوانین خانواده از وظایف حقوق دانان به شمار می‌رود، ضروری به نظر می‌رسد که کارشناسان امر نیز به بیان اصول اخلاقی که موجب اعتلای آن می‌شود بپردازند.

## ۲- بیان مسئله

آیا آموزش شهروندی می‌تواند درک بهتری نسبت به آنچه موجب زندگی بهتر، درک عاقلانه‌تر و رفتار بهره‌ورانه‌تر می‌شود و آنچه باعث آن نمی‌شود به ما بدهد؟ این بستگی به آن دارد که ما درک را چه معنی بکنیم؟ اگر آن را داده‌های سخت معنی کنیم پاسخ احتمالا منفی است. اما اگر منظورمان آگاهی عقلانی باشد که به ما درک روابط جزئی موجود در زندگی کمک می‌کند پاسخ قطعاً مثبت است اما چگونه و چگونه با چه روش‌هایی می‌توان آن را در متن حیات پیاده نمود؟

ما افراد جوان و نوجوانانی می‌خواهیم که پس از فراغت از تحصیل در مدرسه دارای درک سیاسی، حقوقی و نقشی اقتصادی در جامعه بزرگسالی باشند و برخوردار از آگاهی اجتماعی و اخلاقی باشند. آموزش شهروندی برای آماده کردن جوان‌ترها به منظور مشارکت در یک زندگی دموکراتیک ضروری است. (ائتلاف زندگی دموکراتیک ۲۰۱۰)

فلسفه آموزش شهروندی فراتر از یک موضوع است. اگر به نیازهای شخصی و فردی به خوبی پاسخ داده شود و در مسیر درست هدایت شود توانایی‌ها و ارزش‌هایش در مسیر زندگی دموکراتیک شکوفاتر خواهد شد و به حقوق و تکالیفشان آشناتر خواهند شد. (برنارد کریک، برنامه درسی ملی شهروندی، ۱۹۹۹)

فناوری اطلاعات نیز باعث شده است تا جهان در عرصه‌ی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به یکدیگر وابسته گردد و این وابستگی، لزوم اندیشه و عمل جهانی را پدید آورده است.

می‌توان گفت در قالب جهانی باید به صورت دموکراتیک عمل کرد و ابزار و اندیشه‌ی عمل دموکراتیک، فناوری اطلاعات است. چرا که باتوجه به فرایند جهانی شدن آینده تربیت به طور جدی متأثر از فناوری‌های اطلاعاتی خواهد بود.

آموزش و پرورش و شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت، همه‌ی افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش‌های متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند. البته این امر زمانی جامه عمل می‌پوشد که

فضای آموزشی جامعه، فضایی دموکراتیک به خود گیرد و این ممکن نیست مگر به شرط استقرار نظام سیاسی مردم سالار (که در آن افراد خود را در مقابل جامعه مسئول و برای عمل به وظایف شهروندی) و در نتیجه برخورداری از حقوق مترتب بر آن آزاد می بینند.

در این فضای دموکراتیک، دانش آموزان نیز نیازمند آن هستند که در زمینه های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش و درک درست و عینی از جهان، آموزش می بینند. در تمام تصمیم گیری های مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند، به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند.

آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقمند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. افرادی که نه تنها ارزش ها و ویژگی های مورد ستایش جامعه را دارا باشند، بلکه بتوانند در راستای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش موثری را به نمایش گذارند. در سایه ی چنین برداشتی است که از نظر مربیان بزرگ تعلیم و تربیت... مدرسه نه تنها یک مکان جهت آماده شدن برای زندگی است، بلکه در حقیقت جایی برای تمرین زندگی و تجربه عرصه های مختلف آن است. به عبارت دیگر مدرسه مکانی برای یادگیری حقوق و مسئولیت های شهروندی است. از این رو آن چه که می تواند رسالت و فلسفه اصلی شکل گیری و توسعه ی مدارس را در دوران کنونی توجیه کند، تربیت شهروندی و به عبارت دیگر عمل کردن مدارس به عنوان مدرسه ی زندگی در راستای احراز ویژگی های شهروندی است. مدرسه باید مکانی برای تدارک فرصت های لازم و مناسب برای تجربه و تمرین در عرصه های مختلف زندگی باشد تا از این رهگذار، زمینه های لازم برای برطرف کردن نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان فراهم آید. بنابراین مدرسه باید خود زندگی و نمونه و الگویی کوچک از جامعه باشد و در آن دانش آموزان در عرصه های مختلف نظیر حرفه، دین، سیاست، فرهنگ، علم و فناوری، خانواده، بهداشت محیط زیست، ارتباطات، و مانند آن به یادگیری بپردازند. این چگونگی مستلزم پرداختن هر چه بیشتر به تربیت شهروندی و مهارت های زندگی در سطح مدارس است.

### ۳- سوالات پژوهش

- فلسفه ی وجودی آموزش شهروندی در زندگی روزمره چیست؟
- چه روش هایی برای پیاده نمودن روش فلسفی در رفتارهای افراد وجود دارند؟
- چگونه از فلسفه به منظور انتخاب عاقلانه ترین تصمیم بهره بگیریم؟
- رابطه فلسفه آموزش شهروندی و زندگی دموکراتیک چیست؟
- نتایج آموزش شهروندی در زندگی آینده افراد چیست؟

### ۴- روش پژوهش

در این نوشتار بر آنیم با بررسی جنبه های متفاوت فلسفه آموزش شهروندی و ابعاد متفاوت و گسترده آن برای سوالات فوق پاسخی بیابیم که در درون این جواب ها در خواهیم یافت که اثرات آن در آینده جوامع بخصوص جامعه ایران با وجود پیشرفت های روز افزون چه خواهد بود. دریافت این نکته که بهترین زمان این آموزش برای شهروندان چه سنی است از اهمیت خاصی برخوردار است. علاوه بر این موارد، پیشینه ایرانی - اسلامی این مقوله چیست و از دیدگاه اسلام چگونه نسبت به آن پرداخته شده است که با توفیق بر قرآن و نهج البلاغه در حد توان بتوانیم مطالب مرتبطی را با این مورد بیان نماییم. همچنین با نگاهی به تاریخ معاصر ایران و بیانات رهبر کبیر انقلاب و نیم نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موارد قانونی آن را نیز مورد توجه قرار دهیم.

## ۵- مبانی نظری پژوهش

در تفکر اسلامی تا انسان به شناخت صحیح خود و نیازهای پیچیده اش که رمز تکامل اوست نرسد، نسبت به مسئولیت هایش جاهل خواهد بود (کفی بالمرء جهلان لایحرف قدره) و هنگامی که به چنین شناختی نائل گردد احترام به شخصیت و کرامت انسانی نسبت به دیگران را در خود احساس خواهد نمود.

(فانهم صنفان اما اخ لك في الدين اونظير لك في الخلق) (نهج البلاغه، نامه ۳۵) و هرگز به خود اجازه تحقیر دیگران نخواهد داد.

به عقیده ی بسیاری از دانشمندان تعلیم و تربیت، وظیفه آموزش و پرورش، تربیت شهروندانی است که بتواند برای رشد و شکوفایی جامعه ی مردم سالار و تجدید بنای آن تلاش کند. نظام آموزشی مردم سالار، درصدد تربیت نسلی است که بتواند در دنیای پیچیده ی کنونی، هم بر سرمایه ی دانش خود بیفزاید و هم با افزایش قابلیت همبستگی و نقش پذیری خود در ایجاد فضای گروهی که مسئولیت چند جانبه و جمعی به بار می آورد، کوشش نماید در چنین جامعه ای از ما می خواهند که همه با هم برای درک دنیای یکدیگر تلاش کنیم و چشم انداز مشترکی بسازیم که ما را قادر می سازد از یکدیگر بیاموزیم و درحالی که واقعیت کثرت گرایی را حفظ می کنیم بر خود حکومت کنیم.

حضرت امام خمینی(ره) در سال ۶۱ در فرمان هشت ماده‌ای خود، «حقوق انسان‌ها و شهروندی» را بسیار شفاف و صریح مطرح نمودند. در بخشی از بیانات امام(ره) در فرمان ۸ ماده‌ای آمده است:

((قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی‌بودن خدای ناخواسته به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریمه اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات صادر شود. باید ملت از این پس که زمان استوار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده‌خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند.))

دانستن از مواردی است که توأمان هم مشمول حقوق شهروندی است و هم جزو تکالیف و وظایف شهروند است. شهروند باید نسبت به حقوق و وظایف خود آگاه باشد تا حقوق خود را مطالبه و وظایف خود را به درستی انجام دهد. بهره‌مندی از مواهب الهی و قانونی و برخورداری از حمایت پلیس و حکومت برای همه شهروندان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. مشارکت بر سرنوشت اجتماعی، مشارکت آزاد در انتخابات، مشارکت در تدارکات اجتماعی و مناسبات قدرت، از حقوق شهروندی است.

در نهج البلاغه بارها توصیه اکید حضرت به تلاش و کار برای تمام شهروندان آمده است؛ یعنی ایشان برخورداری از حقوق شهروندی را برای همه شهروندان یک حق تلقی می کردند و رعایت آن را برحاکم، لازم و واجب می شمردند.

گستره شهروندی به چگونگی باز یا بسته بودن برخورداری از حقوق شهروندی در یک جامعه و قلمرو آن برمی گردد. در جامعه اسلامی امکان استفاده و برخورداری از حقوق شهروندی برای تمام شهروندان وجود دارد و در این زمینه هیچ تفاوتی میان شهروندان- از هر قشر که باشند- وجود ندارد. در نهج البلاغه نیز امیرمومنان(علیه السلام) به این مهم اشاره و تأکید فرموده است.

حضرت با نگاه ویژه خود خلقت برابر انسانها را می پذیرند. در کانون توجه قرار دادن نوع انسان، فارغ از قوم و قبیله و دین و مذهب، محور سیاست های حضرت علی را تشکیل می داد.

در نهج البلاغه بارها توصیه اکید حضرت به تلاش و کار برای تمام شهروندان آمده است؛ یعنی ایشان برخورداری از حقوق شهروندی را برای همه شهروندان یک حق تلقی می کردند و رعایت آن را برحاکم، لازم و واجب می شمردند.

در سفارشهای آن حضرت به مالک اشتر درباره شهروندان آمده است: «پس آنها دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو هستند و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند» بر همین اساس باید همه شهروندان در تمام حقوق و امتیازات باهم برابر باشند که از جمله اینها تساوی در تقسیم بیت المال، تساوی در بهره بردن از انصاف حاکم، (۱) تساوی در اجرای قانون، (۲) برابری در فرصت ها و مسئولیت و وظیفه دولت در قبال همه طبقات جامعه(۳) است. حتی در کلام امام در نهج البلاغه توصیه ایشان به

تلاش برای جلب رضایت عوام تا خواص را می بینیم: «ولیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق، و اعمها فی العدل، و اجمعها لرضی الرعیه، فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه و ان سخط الخاصه یغتفر مع رضی العامه» (۴)

امام در این بخش از پیام خود ارزش را به جلب رضایت عموم و سیاه ملت و گسترش عدالت داده است و اینکه ملاک در محبوبیت، میانه روی در حق است و بس و زمامدار باید توجه داشته باشد آنچه رضایت عموم را سبب می گردد، مقدم است بر آنچه رضایت خواص و بستگان را در برمی گیرد؛ زیرا رضایت خواص در صورت خشم و غضب ملت ناچیز است و بکار نمی آید و نمی تواند مدافع از کیان زمامدار باشد، به خلاف رضایت عموم و ملت و چنانچه در این صورت خشم و غضب خواص عارض گردد، به جایی صدمه نمی زند و توانایی کاری را ندارد؛ چون غضب خواص در برابر رضایت ملت و عموم ناچیز است. پس ملاک، بدست آوردن رضایت مردم و عموم ملت است نه رضایت خواص و بستگان و زمامدار زمانی عدالت را محقق نموده و گسترش داده است که عامه مردم از او راضی باشند چه خواص راضی باشند یا نه. در دیدگاه امیرمومنان (علیه السلام) علی حکومت تنها زمانی اعتبار می یابد که وسیله ای در جهت تحقق اهداف انسانی و الهی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی باشد. بر پایه ی این دیدگاه می توان گفت که امیرمومنان چهار هدف و غایت مهم از شهروندی مد نظر دارد: برقراری عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه شهروندان و جامعه و تربیت برای زمینه سازی رشد و تعالی انسانها.

## ۶- یافته های پژوهش

یکی از ویژگی های جهان معاصر برجستگی و محوریت انسان و موضوعات مرتبط با او در کلیه عرصه هاست. انسان به عنوان عامل محوری هر گونه نقش آفرینی در آینده مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است. از عصر روشنگری به بعد، جامعه بشری، به تعریف جدیدی از انسان و جهان پرداخت. طی این سالها، انسان بعنوان موجود ذی حقی شناخته شده که توانایی اداره امور شخصی و اجتماعی خود را (از طریق قراردادهای اجتماعی) دارد. حق یکی از مقوله های فربه در رشته های مختلف همانند حقوق، علوم سیاسی، اخلاق می باشد و از این رو پرداختن به آن ولو کلی و مختصر به عنوان پیش زمینه در همه عرصه هایی که بحث حق و حقوق به معنای عام آن پیش می آید، به نظر حیاتی می آید. تا قبل از قرن سیزدهم میلادی حق عمدتاً در معنای حق بودن (خیر) که نقطه مقابل آن باطل بودن (شر) است بکار می رفت. از قرن سیزدهم به بعد حق به معنای جدید آن یعنی حق داشتن بکار رفت و این معنای دوم بود که باعث شفافیت و عینیت مفهوم حق و همین طور کاربرد آن گردید. حق در این معنا مهمترین عنصر شهروندی و همین طور مهمترین هدف و محرک حرکت ها و نهضت های اجتماعی است و از آن مهمتر انسانیت انسان، حیثیت ذاتی و کرامت او در پرتو بهره مندی اش از حق ها معنا و مفهوم پیدا می کند. حضور حق ها در بطن زندگی اجتماعی و از آن طریق تأمین و تضمین انسانیت و حیثیت و کرامت انسان در گرو تلاش فردی و اجتماعی انسان هاست به عبارتی، تلاش افراد در روابط بین خودشان و در رابطه با موجود قدرتمند دولت، ضامن واقعی اجرای حق هاست. از طرف دیگر اگر جنبش های اجتماعی در قالب و چارچوب حق مدار شکل گرفته و ماهیت احساسی و خطرناک به خود نگیرد و دولت (که اصولاً باید نماینده همه شهروندان باشد) و گرایش غالب و حاکم بر جامعه، این حرکت حق مدار را پذیرا شده و طرد نکند، در آن صورت می توان به تأمین و تضمین صلح و زندگی مسالمت آمیز، عدالت، ثبات و تمامیت ارضی و وحدت جوامع امیدوار بود. یکی از مکانیسم های اساسی در این راستا، آموزش شهروندی است. (همتی، ۱۳۸۷) آموزش شهروندی عامل مهمی در نهادینه شدن حقوق شهروندی است. آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می گردد. این مولفه ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه همه جانبه جوامع صنعتی و رو به پیشرفت است. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسؤولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی به وجود می آورد؛ نقش دیگر این مولفه ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه در ابعاد محلی- ملی و جهانی است. چنین آموزه هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و جستجویی برای مساوات طلبی است. در واقع آموزش شهروندمداری در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی به صورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و

فرهنگی بهره‌مند گردند. یادگیری پارامترهای آموزش رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی کمک شایانی می‌کند. آموزش رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت عملکرد سازمان‌های مدنی بسیار اثرگذار است، این آموزه‌ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی- ملی و جهانی کمک خواهد کرد، آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت و نهادهای قانونگذار، سازمانهای ملی و محلی، تشکل‌های مدنی و از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت.

منظور از آموزش شهروندی عبارت است از فرایند انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر.

این انتقال شامل موارد مختلفی نظیر:

آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به ملت، نگرش مثبت نسبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزش‌های بنیادی (مانند حاکمیت قانون و تسامح و تساهل)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت‌های لازم برای فهم سیاست‌های عمومی و نظارت بر آن‌ها می‌شود.

بدین ترتیب، هدف اساسی آموزش شهروندی در هر جامعه‌ای، انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است.

لذا آموزش شهروندی به دنبال جلب حمایت جوانان از فرهنگ مدنی جامعه است که این امر از طریق فرایندهای آموزشی تحقق می‌یابد. در جوامع اقتدار طلب و خودکامه تعلیم و تربیت شهروندی به شدت در پی القای عقیده حاکم است و حق انتخاب چندانی برای فرد در جهت ابراز مخالفت وجود ندارد در حالی که در جوامع مردم سالار، هدف از تعلیم و تربیت شهروندی، پرورش افرادی است، مسئول، خودآگاه، کارآمد و بالتبع در خدمت اهداف و آرمان‌های جامعه.

انسان باید ارزش پیدا کند و تربیت او مبنای توسعه قرار گیرد. چون هدف از آموزش و سرمایه‌گذاری آموزشی کشف و توسعه منابع انسانی در جهت تعالی بخشی ارزش‌ها و استعدادها و بهینه کردن آن است چون محور اصلاحات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در کلیه ممالک توسعه یافته، انسان بوده می‌باشد.

آموزش مهم‌ترین رکن برنامه ریزی جامعه است و کلیدی‌ترین عنصر در توسعه یک جامعه. مردم آن جامعه هستند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارت‌های گوناگون برخوردار باشند.

تعلیم و تربیت در جامعه‌ی اسلامی بر توسعه‌ی فرایند آموزش مردم سالاری دینی تکیه دارد؛ فرایند پویایی که هم می‌تواند به حالت انسجام و وابستگی درونی فرد عقل او و کارکردهای اجتماعی او بیندیشد و هم می‌تواند او را به ارزش‌های اخلاقی و اصول اعتقادی که در جهت تکریم مقام و منزلت انسانی قرار دارد، پایبند نماید. اگر واقفیم که آموزش و پرورش به عنوان رکن تولید آگاهی مدنی دانش‌آموزان به عنوان عاملان اصلی باز تولید این آگاهی و شناخت، در واقع همان پشتوانه‌های راهبردی رشد فرهنگ شهروندی و توسعه‌ی سیاسی کشور به شمار می‌رود. در این خصوص انتظاراتی از آموزش و پرورش کارآمد و منطبق با نیازهای امروزی هست که عبارتند از:

- آموزش مفید، اثربخش و کاربردی
- تربیت نسل جوان و نوجوان براساس معیارهای مورد قبول جامعه
- تسهیل در فرایند جامعه‌پذیری افراد و یادگیری هرچه بهتر استانداردهای زندگی سالم
- هدایت نسل جوان و نوجوان در جهت ترقی و توسعه‌ی مطلوب
- تربیت انسان‌های قانونمند، مشارکت‌پذیر، منظم، مسئول و پرتلاش از طریق نهادینه‌سازی قانون و پرهیز از زور و خشونت و سلطه‌گری و جلوگیری از تنش و تن دادن به آن
- جا انداختن فرهنگ تحزب‌گرایی و تمرین مشارکت در اداره‌ی امور مدرسه و جامعه



- قویت ایمان، روحیه ی شجاعت، اعتماد به نفس، شکیبایی در برابر مصائب و رنج ها، عدالت جویی، وجدان کاری و انضباط اجتماعی، مشورت، تعاون و ایثار

توشیرو دوکو یکی از معماران توسعه ژاپن، امروزه درباره نقش سازنده و بارورکننده و رشد دهنده انسان و آموزش و پرورش در فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی چنین بیان می کند: ما نه هیچ منبع طبیعی داریم و نه هیچ قدرت نظامی، ما فقط یک منبع در اختیار داریم، ظرفیت ابداع مغزهایمان..

این منبع پایان ناپذیر است. باید آن را ترکیب کرده، تمرین داده و مجهز ساخت. این قدرت دفاعی خواه ناخواه، در یک آینده نزدیک گرانبهاترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود. در کشور ژاپن تربیت انسان ها، بهترین مسأله است و کسانی که در نظام آموزشی کار می کنند افراد بسیار محترم و با پرستیژ اجتماعی والایی هستند همین آموزش دهندگان هستند که در واقع، توسعه و زمینه های آن را (از طریق تربیت شهروندانی آگاه و مسئول) فراهم می آورند و ارزشمندترین سرمایه های انسان ها با فرهنگ، آموزش دیده و با شخصیت آن جامعه هستند.

بنابراین زمانی آموزش و پرورش در رسیدن به اهداف و آرمان هایش موفق خواهد بود که بتواند شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق برورد و این امر میسر نیست مگر از طریق آموزش بهینه شهروندی و نیز ارتقاء فرهنگ شهروندی.

بدین ترتیب، هدف اساسی آموزش شهروندی در هر جامعه ای، انتقال مجموعه ای از دانش ها، ارزش ها و جهت گیری های رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است. (اصل جامعه پذیری)

با ورود اسلام آموزه های شهروندی با تکیه بر آیین و فضایل اخلاقی و اسلامی ارائه و بر محور اخلاق، اطاعت از والدین، فرمانبرداری از حکومت اسلامی، وظیفه شناسی و نیکوکاری به یکدیگر و غیره بنا نهاده شده است.

در نهج البلاغه بارها توصیه اکید حضرت به تلاش و کار برای تمام شهروندان آمده است؛ یعنی ایشان برخورداری از حقوق شهروندی را برای همه شهروندان یک حق تلقی می کردند و رعایت آن را برحاکم، لازم و واجب می شمردند.

در سفارشهای آن حضرت به مالک اشتر درباره شهروندان آمده است: (پس آنها دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو هستند و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند)

برهمن اساس باید همه شهروندان در تمام حقوق و امتیازات باهم برابر باشند که از جمله اینها تساوی در تقسیم بیت المال، تساوی در بهره بردن از انصاف حاکم، (۱) تساوی در اجرای قانون، (۲) برابری در فرصت ها و مسئولیت و وظیفه دولت در قبال همه طبقات جامعه (۳) است. حتی در کلام امام در نهج البلاغه توصیه ایشان به تلاش برای جلب رضایت عوام تا خواص را می بینیم: «ولیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق، و اعمها فی العدل، و اجمعها لرضی الرعیه، فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه و ان سخط الخاصه یغتفر مع رضی العامه» (۴)

امام در این بخش از پیام خود ارزش را به جلب رضایت عموم و سپاه ملت و گسترش عدالت داده است و اینکه ملاک در محبوبیت، میانه روی در حق است و بس و زمامدار باید توجه داشته باشد آنچه رضایت عموم را سبب می گردد، مقدم است بر آنچه رضایت خواص و بستگان را دربرمی گیرد؛ زیرا رضایت خواص در صورت خشم و غضب ملت ناچیز است و بکار نمی آید و نمی تواند مدافع از کیان زمامدار باشد، به خلاف رضایت عموم و ملت و چنانچه در این صورت خشم و غضب خواص عارض گردد، به جایی صدمه نمی زند و توانایی کاری را ندارد؛ چون غضب خواص در برابر رضایت ملت و عموم ناچیز است. پس ملاک، بدست آوردن رضایت مردم و عموم ملت است نه رضایت خواص و بستگان و زمامدار زمانی عدالت را محقق نموده و گسترش داده است که عامه مردم از او راضی باشند چه خواص راضی باشند یا نه. در دیدگاه امیرمومنان (علیه السلام) علی حکومت تنها زمانی اعتبار می یابد که وسیله ای در جهت تحقق اهداف انسانی و الهی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی باشد. بر پایه ی این دیدگاه می توان گفت که امیرمومنان چهار هدف و غایت مهم از شهروندی مد نظر دارد: برقراری عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه شهروندان و جامعه و تربیت برای زمینه سازی رشد و تعالی انسانها.

در نامه ۵۳ نهج البلاغه از این قبیل توصیه‌ها فراوان است، از جمله سفارش به اجرای حق برای هرکس که باشد، حتی نزدیکان و دوستان، توصیه به پرهیز از امتیاز دادن به اطرافیان، توصیه به پرهیز از انحصار طلبی و اختصاص دادن اموال عمومی به خود، توصیه به پرهیز از تجاهر و حضرت با این بیانات به گستره‌ای باز برای شهروندی قائل است و برخورداری از حقوق شهروندی را برای همه قشرهای جامعه اسلامی از نزدیکان حاکم تا عامه مردم از مسلمانان تا مردم اهل کتابی تحت حاکمیت حکومت اسلامی به سر می‌برند، یکسان می‌داند که این گستره باز از جمله شامل تساوی در برخورداری از بیت المال، تساوی در بهره‌مندی از انصاف حاکم، تساوی در اجرای قانون، تساوی در برخورداری از فرصت‌هاست.

آموزش شهروندی آماده کردن افراد برای تصمیم‌گیری و مسوولیت‌پذیری برای زندگی شخصی و اجتماعی است و شهروند کسی است که با همنوع خود زندگی می‌کند و از طریق دولت حمایت می‌شود. از حقوق اجتماعی برخوردار است و وظیفه اجتماعی انجام می‌دهد.

شهروندی راه‌های زندگی کردن شهروندان با یکدیگر است. شهروندی توانایی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می‌کند. بنابراین شهروندی افراد از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا هویتشان تعیین نمی‌شود.

بنابراین شهروندی در نحوه‌ی ارتباط فرد با فرد و با جامعه معنا و مفهوم حقیقی خود را در می‌یابد.

در این راستا به اعتقاد تی، اچ، مارشال:

اولاً شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است.

ثانیاً کسانی که حائز این وضعیت هستند حقوق و تکالیف یکسان و برابری دارند.

باید دانست که شهروندی با احساس مسوولیت همراه است. و حس شهروندی در عمیق‌ترین معنای خود دارای دو جنبه‌ی مهم است:

الف) جنبه مهمی از مسوولیت شهروندی، داشتن شرافت کاری است که بدون آن مدنیت پیشرفته‌ای حاصل نمی‌شود.

ب) مسوولیت مدنی در جایی امکان بروز می‌یابد که جامعه‌ی مدنی به معنای واقعی مستقر شده باشد اما جامعه مدنی نمی‌تواند بدون تلاش شهروندان برخوردار از حس مسوولیت قوی برپا می‌گردد.

این وظیفه‌ی سیستم آموزشی است که جوانترها را برای چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی جهان در حال تغییر آماده کند (رکا باکوو).

آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌گردد. این مولفه ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه همه جانبه جوامع صنعتی و روبه پیشرفت است. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی بوجود می‌آورد؛ نقش دیگر این مولفه ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه در ابعاد محلی- ملی و جهانی است. چنین آموزه‌هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و جستجویی برای مساوات طلبی است. این آموزه‌ها به روابط اجتماعی بین افراد و روابط افراد و نهادهای ساختار نظام اجتماعی مربوط شود. این فرایند در نهادهای آموزش رسمی جامعه منجر به پرورش شهروندی فعال می‌گردد. در واقع آموزش شهروندمداری در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی بصورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بهره‌مند گردند. یادگیری پارامترهای آموزش رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی کمک شایانی می‌کند. آموزش رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت عملکرد سازمان‌های مدنی بسیار اثرگذار است، این آموزه‌ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی- ملی و جهانی کمک خواهد کرد، آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت و نهادهای قانونگذار، سازمان‌های ملی و محلی، تشکل‌های مدنی و... از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت.



آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی از مولفه های نظام دموکراسی - سیاسی و شاخص کلیدی برای تحقق دموکراسی در حوزه عمومی جامعه مدنی است. آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در ساختار فرهنگی جامعه ایران در قالب سه شکل "امتناع شهروندی" و "امکان شهروندی" و "ایجاب شهروندی" رشد کرده است. فرایند آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت تربیتی شامل مقتضیاتی است که در هر دوره ای از جامعه باید به افراد آن جامعه که عضویت دارند و مطالبات معینی را دنبال می کنند ارائه داد. در واقع زمینه های اصلی و شکل دهنده تربیت یا آموزش شهروندی شامل سنت تاریخی، موقعیت جغرافیایی، ساختار اجتماعی و سیاسی، نظام اقتصادی و گرایش های نوین جهانی می باشد. در واقع سیر تحولاتی آموزش شهروندی از بعد تربیتی در ساختار جامعه ایران از یک سابقه و قدمت تاریخی بسیار غنی برخوردار است. آموزش شهروندی از بعد سیاسی در واقع توسط نظام سیاسی حاکم بر جامعه تعیین و مشخص می کند. حاکمیت از طریق آموزش شهروندی الگوهای توسعه سیاسی جامعه که همان آگاهی و بالا بردن توانایی سیاسی شهروندان به منظور نهادینه ساختن الگوهای انسجام و همبستگی اجتماعی از یکسو و تعمیم پذیری الگوهای مشارکت و توزیع مناسب منابع می باشد، را مد نظر دارد. آموزش شهروندی سیاسی در هر جامعه ای هدفش پرورش سیاسی، شکل دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان به اقتضای قالب های اجتماعی و سیاسی است، آموزش شهروندی با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مسقیم دارد، این مولفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و شاخص های توسعه فرهنگی نقش موثر دارد. آموزش شهروندی یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی دارد. این عنصر از شهروندی علاوه بر زمینه های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی و اخلاق مدنی ناظر است.

شهروندی مجموعه ی گسترده ای از فعالیت های فردی و اجتماعی است. فعالیت هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آن به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. شهروندی، از جمله مفاهیم نو پدیداری است که به طور ویژه ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه ای بر اساس نظم و عدالت دارد. بر این اساس آموزش حقوق شهروندی همانا نهادینه سازی نظامی از حق ها و تکالیف های متناسب با شهروندی مبتنی بر کرامت و ارزش والای انسانی است. آموزش حقوق شهروندی یا به طور رسمی در دروس مدارس ابتدایی به شهروندان آموخته می شود یا به طور غیر رسمی در خانه (رفتار والدین بهترین الگوی عملی برای تقویت مهارت های شهروندی فرزندان جامعه می باشد) یا محل کار یا کارگاه های آموزشی.

آموزش رسمی از مقطع آمادگی آغاز و تا دوره دانشگاهی ادامه می یابد. در هر یک از مقاطع آمادگی، دبستان، راهنمایی و دبیرستان با توجه به شرایط سنی و ذهنی کودکان و نوجوانان و جوانان، آموزش حقوق شهروندی با روش کاملاً غیرمستقیم (از طریق نحوه رفتار و برخورد آموزگار با کودکان)، عبارتی مدارس برای دانش آموزان فضایی فراهم کنند که دانش آموزان، شهر را تجربه کنند و با حقوق شهروندی به شکل عملی آشنا شوند. یعنی ساختارها، روش ها و محیط های آموزشی برای تدوین و یادگیری شهروندی آماده شوند. و طرح مستقیم مفاهیم حقوق شهروندی با دانش آموزان (با بهره گیری از روش های تدریس فعال از جمله؛ روش حل مسئله، روش کاوشگری، روش پروژه، روش یادگیری مشارکتی و...) و همچنین اطلاع رسانی در خصوص حقوق شهروندی با برگزاری کنفرانس، سمینار، دوره های کوتاه مدت و تهیه و تدوین کتابچه تصویری، کتب آموزشی، ابزار سمعی و بصری و فعالیت های فوق برنامه و اردوهای دانش آموزی به عنوان راهکارهای تربیت شهروندی بهره برد.

امروزه باتوجه به پیچیدگی عصر جهانی شدن، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هدایت ملی و نظام ارزشی و مهارت های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن بیست و یکم، آماده کند.

چرا که جهانی شدن نه فقط براققتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ ها و نظام های آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می گذارد. به همین دلیل، برنامه ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملت ها صورت گیرد. فرایند جهانی شدن نیز خصوصیات ویژه ای را برای شهروند قرن ۲۱ می طلبد که می توان آن ها را در سه قالب کلی و بدین صورت برشمرد:

- دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن
- دانش مهارت و نگرش دمکراتیک
- توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات

این سه مفهوم به شدت درهم تنیده شده، اثرات متقابل و چندجانبه ای دارند.

واضح است که نظام آموزشی هر کشوری متأثر از نظام ارزش های حاکم بر جامعه است و بالتبع تربیت شهروندی نیز باید در راستای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه، انجام گیرد. در این راستا زندگی شهروندی باید محتوای عینی مرتبط با محیط زندگی ایرانی را که دانش آموز در آن به سر می برد، داشته باشد.

از چنین مسیری است که بومی کردن آموزش زندگی شهروندی محلی و ملی میسر می شود و مقدمه ی آموزش شهروندی جهانی را فراهم می آورد

باتوجه به مباحث مطرح شده، یک شهروند مطلوب برای جامعه ی ایران در سه حیطة با قلمروهای خاص و دارای صلاحیت های معینی می باشد که عبارتند از:

### شناخت مدنی:

آن عبارت است از مجموعه ای از آگاهی ها، اطلاعات و درک و فهم مدنی که مولفه های آن عبارتند از: آگاهی از نحوه ی بدست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه ی عملکرد دولت، آگاهی از دیدگاه های احزاب عمده ی کشور، آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حقوق شخصی و بین المللی.

### توانایی مدنی:

که عبارت است از مجموعه ای از مهارت ها، قابلیت ها و توانمندی هایی که هر فرد برای زیست در جامعه ای که در آن زندگی می کند، به آن ها نیاز دارد و مولفه های آن عبارتند از: توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکاء به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیم منطقی و توانایی رفتار براساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب.

### نگرش مدنی:

که عبارت است از مجموعه ای از طرز تلقی ها، باورها و دیدگاه هایی که برای یک شهروند خوب ضروری است و مولفه های آن عبارتند از: پذیرش تنوع و تکرر در جامعه و احترام به آن، داشتن اعتقادات و باورهای مستقل، داشتن روحیه ی مسئولیت پذیری، دارا بودن حس وطن پرستی، داشتن روحیه ی بردباری و تحمل، داشتن روحیه انتقادپذیری، دارا بودن روحیه ی قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت مذهبی و ملی.

با عطف به این ویژگی هاست که رسالت سترگ و خطیر آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن معنا و مفهوم خود را درمی یابد بنابراین ضروری است تا ضمن توجه به سیاست های کلی نظام آموزشی، مرحله درک و فهم عمیق و دستیابی به شعور

تربیت شهروندی و تدارک مدرسه‌ی زندگی را وجهه‌ی همت قرار داده، بسترهای لازم را برای توجه هرچه بیشتر به این رسالت سنگین (تربیت شهروند مدنی) نظام آموزشی فراهم نمائیم.

آموزش غیررسمی نیز موجب عمومیت یافتن حساسیت نسبت به رعایت حقوق شهروندی از طریق مشارکت نهادهای عمومی و خصوصی می‌گردد. آموزش حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی در نهادهای عمومی دولتی و غیر دولتی از اهمیت مضاعفی برخوردار است، زیرا موجب استقرار و گسترش فرهنگ انسان ذی‌حق و مطالبه‌کننده - حکومت‌خادم و پاسخگوی و در نتیجه تعمیق دولت قانون‌مدار می‌شود.

فعالیت خاص شهرداری‌ها در زمینه آموزش همگانی (اجتماعی) در زمینه‌های مختلف حقوق شهروندی توصیه می‌گردد، خصوصاً در زمینه‌های: حقوق و تکالیف شهروندی؛ زنان؛ کودکان؛ مشارکت سیاسی؛ حقوق سندیکایی؛ حقوق محیط زیست؛ حقوق اقتصادی و اجتماعی، شهرداریها می‌توانند این مهم را از طریق ابزار سمعی و بصری، برقراری دوره‌های کوتاه مدت و برنامه‌های هنری و فرهنگی و تاسیس نهادهای مدنی و غیر دولتی مانند «مجمع‌های محلی ارزیابی و پژوهش» به عنوان نوعی برنامه عملی برای آشنا ساختن جوانان با حقوق و وظایف خود به عنوان شهروند انجام دهند.

نگرش حضرت علی (ع) نیز به شهروندی و حقوق و تعهدات مربوط به آن ناشی از مبانی و نگرش توحیدی مبتنی بر دین است. همچنین امام مشروعیت را الهی می‌داند که این مشروعیت الهی با اقبال و اراده‌ی مردم در جامعه محقق می‌شود. در ضمن، دین و سیاست نیز در کلام و مشی عملی آن حضرت، رابطه‌ای تنگاتنگ و ناگسستنی دارند. پس از بررسی محتوای شهروندی و چگونگی رابطه‌ی فرمانروایان و شهروندان، در می‌یابیم که از نظر امیرمومنان (علیه السلام) این رابطه باید دوسویه و متقابل باشد؛ چون حق و تکلیف با هم‌اند.

در بحث عمق شهروندی، آن حضرت شهروندی عمیق را مدنظر داشته است. به عبارت دیگر ایشان قائل به احساس تعلق خاطر و مسئولیت عمیق شهروندان در قبال اجتماع و نظام اجتماعی است. در مقوله‌ی نوع شهروندی، امام علی (علیه السلام) شهروندان را به مشارکت فعال در عرصه‌ی اجتماع، خوانده و قائل به نقش تعیین‌کننده‌ی خواست و اراده‌ی مردم در تعیین نوع حکومت و حاکمیت است.

گستره‌ی شهروندی نیز از دیدگاه امیر مومنان (علیه السلام)، باز می‌باشد؛ یعنی آن حضرت قائل است که در جامعه‌ی اسلامی همگان باید از حقوق شهروندی برخوردار باشند و شهروندان در بهره‌مندی از این حقوق مساوی باشند در بحث از غایت شهروندی نیز با این پیش‌زمینه که دریافتیم امام علی (علیه السلام) حکومت را ابزار و وسیله‌ای برای رشد و تعالی انسان‌ها می‌داند، چهار غایت مهم برای شهروندی کشف شد که عبارت‌اند از: برقراری عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه شهروندان و جامعه و تربیت برای زمینه‌سازی رشد و تعالی انسان‌ها.

## مراجع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه، (۱۳۶۰). ترجمه ابوالقاسم پاینده، ناشر: سازمان انتشارات جاویدان
- ۳- ایزدی، صمد و آقامحمدی، علی. (۱۳۸۶). آموزش شهروندی، حقوق انسانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نظام آموزشی (چاپ اول). نشر مرکز مطبوعات و انتشارات
- ۴- باربالت، جی ام (بی تا). حقوق شهروندی. ترجمه: جوادکارگزاری (۱۳۸۳). نشریه حقوق اساسی. سال دوم. شماره دوم
- ۵- سعیدی ذکایی، محمد (۱۳۸۳). آموزش شهروندی. نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی. شماره ۱۹
- ۶- فتحی واجارگاه، کوروش و واحد چوکده، سکینه. (۱۳۸۸). آموزش شهروندی در مدارس. تهران: نشر آیین

- ۷- فنازاده، رضا (۱۳۸۹). ضرورت آموزش حقوق شهروندی. فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، معاونت تحقیقات آموزش و حقوق شهروندی، شماره ۲۴
- ۸- قاضی، میرسعید (۱۳۸۱). راهکارهای نهادینه کردن و توسعه فرهنگ شهروندی. چکیده مقالات همایش تحقیقات و راهکارهای توسعه فرهنگ شهروندی. انتشارات محبان اصفهان
- ۹- قائدی، یحیی (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده. فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۲۸-۳۰
- ۱۰- قلتاش، عباس (۱۳۸۸). نقد و بررسی رویکردهای تربیت شهروندی در برنامه درسی دوره ابتدایی. ارائه طرح برنامه درسی تربیت شهروندی. پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خوراسگان، چاپ نشده
- ۱۱- موسوی، سید یعقوب (۱۳۸۱). محدودیت ها و ظرفیت های توسعه حقوق شهروندی در ایران. چکیده مقالات همایش راهکارهای توسعه فرهنگ شهروندی. انتشارات محبان اصفهان
12. Abowitz, K , & Harnish, J. (2006). Contemporary discourses of citizenship. Review of educational Research. 76 (4), 653-690
13. Banks, J.A. (2008). Diversity group identity and citizenship education in a global age. Educational Researcher, 37(3), 129-139

